

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.Sc)

گرایش: فلسفه غرب

عنوان:

نقش عشق و ایمان در ارتقاء آگاهی وجود انسان از نگاه کی یر که گور

استاد راهنما:

دکتر محمد اکوان

استاد مشاور:

دکتر مریم ثقفی

پژوهشگر:

منصوره امانی ناصر لویی

زمستان ۱۳۹۱

تقدیرم بد:

همه مردم میربازم که باهد بی و دگر من های فراوانش، بهترین

مشوق و همراه من در این راه بوده است.

پس بی کران پروردگار یکتا را که به هر نشیمنی رحوان عام و دلیرش و میلتهم آشکار فراوان از استادان کرامی ام، خصه وصا .

تیرا کو توان بر این آقا کماؤ کم خازم دکتر ثقفی که بار هنر و دغای بی دریغ و ارزنده خود در تمامی مراحل تحقیقی رساله،

راکاشای این جانب و به پیش اند فراوان از خواهران و برادرانم و همه بر بلونم هم پندین مادر و پدر عزیزم که لوده گذشت و

فداکاری اند و این زمانه ایشان در طول مریم زندگی هر واره پیرانخ راهم بوده است.

تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

- اینجانف منصوره امانی ناصرلویی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۹۰۶۷۱۶۹۱۰۰ در رشته فلسفه غرب که در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۶ از پایان نامه خود تحت عنوان: نقش عشق و ایمان در ارتقاء آگاهی وجود انسان از نگاه کی یرکه گور با کسب نمره ۱۷/۲۵ و درجه بسیار خوب دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:
- ۱- این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانف بوده و در مواردی که از دستاوردای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام. مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
 - ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پائین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
 - ۳- چنان چه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
 - ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانف مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: منصوره امانی ناصرلویی

تاریخ و امضاء: ۹۱/۱۱/۱۶

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۶

دانشجوی کارشناسی ارشد خانم منصوره امانی ناصرلوئی از پایان نامه خود

دفاع نموده و با نمره ۱۷/۲۵ بحروف هفده و بیست و پنج و با درجه بسیار

خوب مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

چکیده پژوهش:

آنچه در این رساله مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته به صورت چهار عنوان کلی در چهار فصل مجزا بیان شده است.

فصل اول، مربوط به کلیات است.

فصل دوم، ایمان در نگاه کی یر که گور است که در آن بنیادها و زمینه‌های ظهور و سیر تاریخی فلسفه اگزیستانس به عنوان مقدمه بیان می‌گردد و بعد از آن کمی در خصوص کی یر که گور و زندگی او بحث می‌شود و سپس عنوان‌های دیگری که مربوط به این فصل و مربوط به ایمان کی یر که گور می‌باشد به بحث و تفصیل کشانده می‌شوند که به ترتیب این گونه هستند:

زندگی و سپهرهای آن، نومی‌دی، رنج، ترس، گناه و مرگ هر کدام بصورت مجزا، فرد ایمان، ایمان و عقل، ایمان متناقض‌نما، انسان هستی دار و ایمان، از خود بیگانگی، ادله کی یر که گور در باب ایمان گروهی، ادله او بر ضد استدلال‌های آفاقی در دین و نقد آنها و پارادوکس ایمان و یقین به بحث کشانده می‌شوند.

در نظر کی یر که گور، زندگی باید آزادانه و آگاهانه انتخاب شود. وی سعادت ابدی را در زندگی پس از مرگ می‌داند همانطور که مسیحیت و عده‌ی آن را می‌دهد.

به نظر او خطرترین و سخت‌ترین تصمیم یک انسان، تصمیم و انتخاب ایمان است. ایمان توکل و اعتماد به خداوند است. و راه نجات انسان از جهل.

ایمان از نظر او نوعی دریافت درونی است که با عقل و استدلال قابل بررسی نمی‌باشد. ایمان رابطه خصوصی با خداست بنابراین چیزی نیست که با استدلال و براهین عقلی بدست آید.

فصل سوم، عشق از نگاه کی‌یرکه‌گور است. که در آن معنای عشق بصورت مختصری بحث می‌گردد. نظریه فیلسوفان در مورد عشق بررسی می‌گردد. پس از آن عشق زمینی کی‌یرکه‌گور به بحث پرداخته می‌شود و در آخر خدا عشق بی‌بدیل کی‌یرکه‌گور توضیح داده می‌شود. خدا برای کی‌یرکه‌گور یک عشق مطلق است. عشقی که به خاطر آن از عشق زمینی اش یعنی رزین می‌گذرد و او را فدای آن عشق مطلقش می‌کند.

فصل چهارم، نقش عشق و ایمان در ارتقاء آگاهی وجود انسان است. که موضوع اصلی این رساله است. که در آن نقش عشق در تکامل انسان و نقش ایمان در تکامل انسان از نگاه کی‌یرکه‌گور بصورت مجزا و مفصل بحث می‌گردد. عشق و ایمان شرط لازم کمال انسانی به عمیق‌ترین معنای آن است. و در آخر نیز نتیجه‌گیری و نقد پژوهش می‌باشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات طرح.....
۲	۱-۱: بیان مسئله.....
۲	۲-۱: هدفهای تحقیق.....
۳	۳-۱: اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن.....
۳	۴-۱- سوالات و فرضیه های تحقیق.....
۴	۵-۱: روش تحقیق.....
۴	۶-۱: قلمرو تحقیق.....
۵	فصل دوم: ایمان در نگاه کی یرکه گور.....
۶	۱-۲ بنیادها و زمینه های ظهور و سیر تاریخی فلسفه اگزیستانس.....
۱۵	۲-۲ درباره ی کی یرکه گور و زندگی او.....
۲۳	۳-۲ زندگی و سپهرهای آن.....
۳۶	۴-۲ نومیدی به راستی، بیماری است.....
۴۱	۵-۲ رنج لازمه زندگی دینی.....
۴۷	۶-۲ ترس مقدمه رسیدن به ایمان.....
۴۸	۷-۲ در گناه راه فراری نیست.....
۵۴	۸-۲ مرگ حادثه ای کوچک در زندگی.....
۵۵	۹-۲ فرد و ایمان.....
۶۲	۱۰-۲ ایمان و عقل.....

۶۷.....	۱۱-۲ ایمان متناقض نما
۶۸.....	۱۲-۲ انسان هستی دار و ایمان
۷۱.....	۱۳-۲ از خود بیگانگی
۷۳.....	۱۴-۲ ادله کی یرکه گور در باب ایمان گروی
۷۴.....	۱۵-۲ ادله کی یرکه گور بر ضد استدلالهای آفاقی در دین و نقد آنها
۸۱.....	۱۶-۲ پارادوکس ایمان و یقین
۸۲.....	فصل سوم: عشق در نگاه کی یرکه گور
۸۴.....	۱-۳ معنای عشق
۸۶.....	۲-۳ نظریه فیلسوفان در مورد عشق
۹۸.....	۳-۳ رزین عشق زمینی کی یرکه گور
۱۰۱.....	۴-۳ خدا عشق بی بدیل کی یرکه گور
۱۰۳.....	فصل چهارم: نقش عشق و ایمان در ارتقاء آگاهی وجود انسان
۱۰۵.....	۱-۴ نقش عشق در تکامل انسان در نگاه کی یرکه گور
۱۱۱.....	۲-۴ نقش ایمان در تکامل انسان از نگاه کی یرکه گور
۱۳۴.....	نقد، بررسی و نتیجه گیری
۱۴۳.....	منابع و مآخذ

فصل اول:

کلیات طرح

۱-۱: بیان مسئله

موضوع مورد بحث در مجموعه‌ی حاضر، نقش عشق و ایمان در ارتقاء آگاهی وجود انسان از نظر کی‌یرکه‌گور می‌باشد. یعنی اینکه آیا عشق و ایمان می‌تواند بر آگاهی و تکامل انسان تأثیر بگذارد یا نه. اگر می‌گذارد چگونه و اگر نمی‌گذارد نیز چگونه. از نظر کی‌یرکه‌گور، زندگی باید آزادانه و آگاهانه انتخاب شود. وی سه گزینه‌ی انتخاب را پیش روی فرد می‌گذارد و آن (استحسان، اخلاقی و دینی) می‌باشد، که بایستی از میان آن‌ها یکی را برگزیند. کی‌یرکه‌گور سپهر دینی را بر می‌گزیند از نظر او سپهر دینی بالاترین مرتبه‌ی زندگی است. که در آن ایمان به خدا در برترین مرحله آن قرار می‌گیرد و خدا عشق مطلق او می‌گردد. کی‌یرکه‌گور بصورت خاصی به خداوند عشق می‌ورزد تا این حد که از عشق زمینی‌اش به خاطر خدا می‌گذرد و او را قربانی عشق اصلی‌اش می‌کند مانند ابراهیم که می‌خواست از اسحاق بگذرد و او را قربانی کند.

۱-۲: هدفهای تحقیق

هدف در این پایان نامه اینست که آیا عشق و ایمان می‌توانند بر آگاهی انسان، بر تکامل انسان تأثیر گذار باشند یا خیر. اگر می‌گذارند چگونه و اگر نمی‌گذارند نیز چگونه هدف پاسخ به همین سوالات است.

۱-۳: اهمیت موضوع تحقیق و انگیزش انتخاب آن

دلیل انتخاب این موضوع، علاقه شخصی نگارنده به این موضوع می‌باشد مخصوصاً اینکه از دیدگاه این فیلسوف یعنی کی‌یرکه‌گور بررسی شود. اهمیت و کارکرد ایمان و حتی عشق در زندگی هر انسانی بسیار زیاد است حتی کسی که ادعای بی‌ایمانی می‌کند نیز ته دلش ایمان دارد. کمتر کسی یافت می‌شود که بی‌ایمان باشد و همینطور در سراسر کره خاکی، کسی را نمی‌توانید پیدا کنید که برای یک بار هم که شده درگیر عشق نشده باشد. اهمیت موضوع عشق و ایمان آنقدر هویداست که احتیاجی به توضیح ندارد.

۱-۴- سوالات و فرضیه‌های تحقیق

- سوالات تحقیق

- ۱) ایمان از نگاه کی‌یرکه‌گور چیست؟ و چگونه است؟
- ۲) عشق از نگاه کی‌یرکه‌گور چیست و چگونه است؟
- ۳) عشق و ایمان در تکامل انسان از نظر کی‌یرکه‌گور چیست و چگونه است؟
- ۴) نقش عشق در تکامل انسان از نظر کی‌یرکه‌گور، چیست و چگونه است؟

- فرضیه‌های تحقیق

زندگی، نومیدی، رنج، ترس، گناه و مرگ برای کی‌یرکه‌گور می‌توانند دارای معنا باشند یا خیر. مهم-ترین فرضیه در این تحقیق عشق است که در آن خداوند معشوق و کی‌یرکه‌گور عاشق است و رابطه معنوی و باطنی وی با خداوند همان عشق و ایمان است.

۱-۵: روش تحقیق

روش تحقیق و پژوهش در این پایان نامه به صورت کتابخانه‌ای بوده است.

۱-۶: قلمرو تحقیق

در این تحقیق و پژوهش سعی شده به نقش عشق و ایمان در تکامل انسان پرداخته و مورد بحث واقع شود.

عرصه‌ی پرداختن به عشق و ایمان بسیار گسترده است. قلمرو تحقیق نیز درباره‌ی آنها به همان گستردگی است. در تمام هنرهای هفت گانه ردپای عشق را می‌توان جستجو کرد. از موسیقی گرفته تا ادبیات و نقاشی و سینما.

ایمان نیز به همان سان قلمروی گسترده دارد، هیچ چیز و هیچ کس بالاتر و گسترده‌تر از خدا و ایمان به او نیست.

پهنه‌ی گستردگی منابع و کتاب‌ها و مقالات نیز درباره‌ی کی‌یرکه‌گور به حد معمول می‌باشد. و از آن‌ها توانستم به خوبی برای نوشتن پژوهشم استفاده نمایم.

فصل دوم:

ایمان در نگاه کی‌یر که گور

۲-۱ بنیادها و زمینه‌های ظهور و سیر تاریخی فلسفه اگزیستانس

فلسفه اگزیستانس از دوره‌های نخستین تفکر انسان که ظهورات آن به دشواری بیان شده است به وجود آمده و به تدریج تا رسیدن به قرن بیستم شکل گرفته و در این زمان به عنوان یکی از صورت‌های اصلی فلسفه مطرح شده است. این پرسش مطرح می‌شود که چرا این فلسفه در روزگار کنونی به ظهور رسید و چرا در قاره اروپا زمینه مساعدی برای رشد و شکوفایی یافت؟ با بررسی تاریخی به پاسخ این پرسش دست می‌یابیم. گویا هرگاه که انسان از ابهام‌های جهان آگاه شده و امنیتش را در معرض تهدید و مخاطره ببیند شیوه تفکر وجودی پدیدار می‌شود. و این امر یاریگر ما در این راستا است که بدانیم چرا فلسفه اگزیستانس در سرزمین‌هایی شکوفا شده است که در آنها ساختارهای اجتماعی فرو ریخته و واژگون شده است و حال آنکه کشورهای بالنسبه با ثبات (از جمله کشورهای انگلوساکسون) که چنین تلخ کامی‌هایی را تجربه نکرده‌اند تفلسفی که این فلسفه از آن نشأت می‌گیرد را به وجود نیاورده‌اند. (مک کواری، ۱۳۷۷، ۵۴-۵۳).

در جستجوی یافتن سرچشمه‌های نخستین اندیشه اگزیستانس می‌توان فلسفه افلاطون را در این راستا مشخصه‌ای بارز و روشنگر یافت. افلاطون به پیروی از آئین سری و عرفانی یونان باستان از وضعیت بشری، به بیان جدایی روح انسان از خانه او که در عالم ذوات محض قرار دارد پرداخته است. بشر از آن چه که ذاتاً هست بیگانه شده است. هستی او در جهان گذرا و ناقض مشارکت او در عالم جاودان مثال (ایده) است. البته این اظهارات با اساطیر بیان شده است، و هرگاه که افلاطون از اسطوره‌ای بهره‌جسته است بر آن است که سیر وجود ذاتی انسان را به بیگانه‌گشتگی وجودی (اگزیستانسیل) او، و سپس بازگشت از آن را به مرحله سابق بیان کند. تمایز افلاطونی میان عرصه‌های ذاتی و وجودی

در تمام تحولات بعدی اثر عمیق داشت. این تمایز حتی در بطن فلسفه اگزیستانس عصر حاضر نیز نهفته است. مکتب افلاطونی و همچنین الهیات کلاسیک مسیحی نظرگاه اگزیستانسیالیستی دارند. این امر نه فقط درباره افلاطون بلکه درباره آگوستین نیز صادق است. هرچند نظام الهیات او در قیاس با نظام‌های دیگر در مسیحیت اولیه نسبت به نقصان‌های وضعیت بشری ژرف‌نگرتر است. بیشتر مسائلی که امروزه در روانشناسی فلسفه اگزیستانس مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد برای روانکاوان دینی قرون وسطی مجهول نبود. برجسته‌ترین بیان شعری دیدگاه اگزیستانسیالیستی در قرون وسطی، کمدی الهی، اثر دانته است. این اثر همچون روانشناسی اعماق دیرنشینان، از چارچوب هستی‌شناسی مدرسی خارج نشد. اما در همین محدوده، ژرف‌ترین مراحل تباهی نفس و یأس بشری و نیز رفیع‌ترین مراحل شجاعت و رستگاری را در نوردید و با سمبل‌های شاعرانه، آموزه وجودی عام و شاملی از انسان ارائه داد. برخی هنرمندان عصر رنسانس با طراحی‌ها و نقاشی‌های خویش پیشاپیش از هنر اگزیستانسیالیستی دوره اخیر خبر دادند. اما در هیچ یک از این سنت قرون وسطی شکسته نشد، این‌ها هنوز معرف دیدگاه اگزیستانسیالیستی بودند نه خود فلسفه اگزیستانس. در اصالت تسمیه نیز جوانبی وجود داشت که پیشاپیش از مضامین عمده فلسفه اگزیستانس دوره اخیر خبر می‌داد. از جمله عقل ستیزی آن یکی از جوانب است که در شکست فلسفه ذوات ریشه دارد. تأکید بر حادث انگاشتن هرچیز که هست وجود انسان و اراده خداوند را به یک میزان حادث می‌سازد، و این احساس را در انسان ایجاد می‌کند که نه تنها نسبت به خود بلکه نسبت به جهان خویش نیز به طور قاطع فاقد ضرورت غایی است و در نتیجه انسانی گرفتار دلشوره‌ای می‌شود که با این احساس همراه است. با این همه اصالت تسمیه نیز فلسفه اگزیستانس نبود. هرچند طلایه دار آن به شمار می‌رود. هر جا که دیدگاه اگزیستانسیالیستی وجود دارد، مسأله تجربه وضعیت بشری توسط فرد نیز مطرح

است. افلاطون در پایان رساله گورگیاس افراد را در برابر داور جهان زیرین «رادامانتوس» قرار می‌دهد و او دربارهٔ درستکاری یا بی‌عدالتی فردی آنها حکم می‌کند. در مسیحیت، داوری جهان متوجه فرد است، از نظر آگوستین، شمول گناه، نخستین دوگانگی تقدیر جاودانی فرد را تغییر نمی‌دهد، دانه فرد را براساس شخصیت خامش در بخش‌های گوناگون واقعیت قرار می‌دهد، نقاشانی که به جنبهٔ اهریمنی توجه دارند این احساس را به وجود می‌آورند که فرد در جهان موجودی تنهاست، و اصالت تسمیه آگاهانه فرد را منزوی می‌کند. (تیلش، ۱۳۷۵، ۱۶۹-۷۴).

این دیدگاه اگزیستانسیالیستی پس از چندی از دست رفت. و عصیان و اعتراض اگزیستانسیالیستی قرن نوزدهم، واکنشی است در برابر از دست رفتن دیدگاه اگزیستانسیالیستی و به وجود آمدن ذات‌گرایی علمی جدیدی که شروع آن به آغاز عصر جدید باز می‌گردد. در فلسفه دکارت تمایل ضد وجودی کاملاً بارز است. هستی انسان و جهان او در پراتز گذاشته می‌شود. ضابطه‌ای که هوسرل با اتخاذ روش «پدیدار شناسانه» خود از فلسفه دکارت برای فلسفه تعیین کرد- انسان به آگاهی محض و به صرف فاعل و موضوع معرفت تبدیل می‌شود، و جهان و از جمله وجود روان تنی انسان، موضوع تحقیق علمی قرار می‌گیرد. انسان در وضعیت وجودی خویش ناپدید می‌شود. کار فلسفه اگزیستانس دورهٔ اخیر کاملاً به جا بود. این فلسفه نشان داد که در پس (هستم) در (من می‌اندیشم پس هستم) دکارت، مسأله ماهیت این نهفته است، که چیزی بیش از (آگاهی) صرف است، یعنی مسأله هستی انسان در زمان و مکان و شرایط تناهی و بیگانه گشتگی، پاسکال در قرن هفدهم در برابر دکارت ایستاد. آراء وی نخستین تحلیل اگزیستانسیالیستی از وضعیت بشری بود، او این وضعیت را به روشی بسیار مشابه با روش فیلسوفان اگزیستانس و غیر اگزیستانس متأخر توصیف می‌کرد، یعنی بر حسب مقولاتی چون دلشوره، تناهی، شک، گناه، قصور و بی‌معنایی: بر حسب جهانی که در آن اتم-

های نیوتنی و اجرام کیهانی بنابر قوانین مکانیکی در حرکت‌اند و انسانی که مرکزیت خویش را در زمینی که روزگاری مرکز کائنات تلقی می‌شد از دست داده است خویشتن را یکسره در این عالم مکانیزه در دلشوره و بی‌معنایی غرقه می‌بیند. مذهب پروتستان با ردهستی‌شناسی، ظاهراً دیدگاه اگزیستانسیالیستی را دوباره مطرح ساخت، و در واقع این مذهب با فروکاستن اصول عقاید به مواجهه دو مسأله معصیت بشری و بخشایش الهی و پیشنهادهای و دلالت‌های این برخورد، دیدگاه اگزیستانسیالیستی را تقویت کرد.

فکر اصلی لوتر اهمیت دادن به «برای من» است. یعنی مهم، اموری است که مربوط به من و سرنوشت من است. و این که ما برای خود دعا می‌کنیم. کشف بزرگ لوتر این است که ارتباط با خدا در یک سپهر و دایره استدلالی نیست، در ارتباطی شخصی و ضد عقلی و استدلالی است او بر آن است که ایمان، با نگرانی همراه، و پیوسته با خود در نزاع است. برای رسیدن به بالاترین درجات ایمان، باید عذاب وجدانی را تحمل کرد و گذراند. به نظر لوتر نگرانی وجدان و تشویش خاطر از واجبات است. تنها گناهکار است که بخشوده است. برای این که حضور خداوند را بودن خود در حضور خداوند را به وجود دریابیم باید به تقصیر و گناه خود وقوف داشته باشیم. چون در آن صورت است که به موجب ورطه هولناکی که بین خود و خدای خود به چشم دل می‌بینم نخستین بار خود را در برابر خدا می‌یابیم. (ورنو- وال و ... ۱۳۸۷، ۲۸۵-۲۸۴).

کانت در فلسفه خود دو جایگاه برای دیدگاه اگزیستانسیالیستی باقی نگاه داشت: یکی در آموزه‌اش درباره فاصله میان انسان متناهی و واقعیت غایی، و دیگری درباره آموزه خود درباره انحراف عقلانی انسان به سبب شر ریشه‌ای. اما همین مفاهیم وجودی موجب گردید بسیاری از تحسین‌کنندگان او و از جمله بزرگ‌ترین آنان، گوته و هگل، او را مورد حمله قرار دهند. ضدیت با اگزیستانسیالیسم بر